

متن پرسش

سلام استاد گرامی این متن رو چگونه ارزیابی میکنید؟ ۱. از اعتماد اولیه تا طرح پرسش‌ها از زمان آغاز جنگ دوازده‌روزه تا همین چند روز پیش، گزارش‌ها و تحلیل‌های آقای مهدی محمدی را با حسن‌ظن دنبال می‌کردم. ایشان که در جایگاه مشاور ویژه آقای قالیباف فعالیت می‌کنند، همراه با ایشان در مواضع رسمی پیش از آتش‌بس و تفاهم، بارها تأکید داشتند که شیوه نبرد باید به گونه‌ای باشد که کشور در چرخه «مذاکره - جنگ - مذاکره» گرفتار نشود و اعلام می‌کردند تا تحقق بازدارندگی کامل، مسیر نبرد ادامه خواهد یافت. ۲. تغییر روایت پس از تفاهم با این حال، در روزهای اخیر و در شرایطی که بسیاری از دستاوردهای ادعایی این تفاهم بیش از پیش رنگ سراب به خود گرفته است، روایت دیگری مطرح می‌شود. اکنون گفته می‌شود که «از ابتدا می‌دانستیم در آینده دوباره جنگی رخ خواهد داد و این تفاهم صرفاً فرصتی برای خرید زمان و آمادگی بیشتر بوده است». ۳. مواجهه با نقد و برچسب‌زنی سیاسی در کنار این تغییر روایت، هر صدای انتقادی نیز به سرعت با برچسب اغراض سیاسی و جناحی کنار گذاشته می‌شود. چنین رویکردی، که در آن روایت‌ها تغییر می‌کنند و نقد نیز به حساب خصومت‌های سیاسی گذاشته می‌شود، برای افکار عمومی قابل پذیرش نیست و پرسش‌های جدی درباره صداقت و انسجام مواضع ایجاد می‌کند. ۴. ضرورت پاسخ‌گویی در برابر افکار عمومی مذاکره‌کنندگان به رهبری معظم تعهد داده‌اند و طبیعی است که در برابر وعده‌ها، تحلیل‌ها و تصویرهایی که از آینده ارائه کرده‌اند، در برابر ملت پاسخ‌گو باشند. اعتماد عمومی سرمایه‌ای است که با وعده‌های اغراق‌آمیز و تصویرسازی‌های غیرواقعی آسیب می‌بیند. ۵. مسئولیت پیامدهای آینده اگر در آینده شکاف و بی‌اعتمادی در جامعه شکل گیرد، مسئولیت آن پیش از هر چیز بر عهده کسانی خواهد بود که با وعده‌های بزرگ و روایت‌های خوش‌بینانه، افکار عمومی را به مسیری هدایت کردند که با واقعیت فاصله داشت. چنان‌که گفته‌اند: «سخن را با سخن پیشین درآمیختند که از عقل و از تدبیر، برنگشتند»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم آن است که با نظر به حضوری که به لطف الهی در نسبت با جهانی‌شدن ایران اسلامی پیش آمده، جای و جایگاه هر سخن و هر فعالیت و هر کس را مدّ نظر قرار دهیم تا به جای مطلق‌نگری که بیشتر روحیه منطق ارسطویی می‌باشد، با فهم تاریخی و نظر به «اصالت وجود» در فهم همدیگر حاضر شویم. امری که متفکرانی همچون هایدگر متوجه ارزش آن

شدند و به دلایل زیادی که در کتاب «هستی زمان» مطرح فرمودند، ما را متذکر تاریخ عبور از سیطره منطق ارسطویی کردند با متذکر شدن به «وجود» و «انسان». در آن صورت است که می‌توانیم کنار همدیگر، همدیگر را «فهم» کنیم و از تاریخ قرون وسطایی که تاریخ همه یا هیچ است که منجر به دوقطبی شدن خواهد شد؛ عبور کنیم و به حضور تمدنی خود بیندیشیم که در آن صورت در جهان همدیگر حاضر می‌شویم به جای این که جهان خود را مطلق کنیم و هر آن کس که در جهان ما حاضر نیست را، نفی نماییم. آیا این به همان معنا، همان تحجری نیست که حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» با تأکید بر «اتحاد» خواستند ما را از آن عبور دهند؟ موفق باشید